

اتفاق

مرزهایی همچون دیزنی‌لند!

● دونالد ترامپ باز هم از آن جمله‌هایی گفت که به ضرب‌المثل تبدیل می‌شوند و این‌دفعه از اینکه مرز آمریکا و مکزیک به پارک تفریحاتی مانند «دیزنی‌لند» تبدیل شده است، سخن به میان آورد. رئیس‌جمهور آمریکا روز گذشته ضمن صحبت‌هایش در فاکس‌نیوز، در انتقاد از قوانین مهاجرتی قبلی که به نظر او «بدترین قوانین مهاجرتی در تمام تاریخ» بودند و «راه‌های گریز» در سیستم مهاجرتی آمریکا، از لزوم سخت‌ترکردن قوانین مهاجرتی سخن به میان آورد. ترامپ گفت مرزها اکنون که سیاست جداسازی کودکان از پدر و مادرهای پناه‌جو کنار گذاشته شده است، «شبیه به دیزنی‌لند» هستند. «عملا الان خانواده‌ها ۱۰ برابر قبل دارند می‌آیند، چون از بچه‌هایشان جدا نمی‌شوند. این فاجعه است». ترامپ درباره اعمال تغییرات موردنظرش در قوانین مهاجرتی زمان مشخصی ارائه نکرد، ولی خاطرنشان کرد که «یک بسته خیلی بزرگ‌تر» از قوانین مهاجرتی در برنامه دارد. «ما داریم درباره قوانین مهاجرتی در مقیاسی بزرگ‌تر بحث می‌کنیم». او همچنین از دادگاه‌های مربوط به امور مهاجران و پناه‌جویان انتقاد کرد که انبوهی از پرونده‌ها در آنها معطل مانده است... «ما یک سیستم دادگاهی داریم که ۹۰۰ هزار پرونده پشت درهایش تلنبار شده، به عبارت دیگر، آنها دادگاهی دارند که لازم است ۹۰۰ هزار مورد محاکمه در آنها انجام شود. این وضعی است که فقط کنگره می‌تواند درستش کند... و آنها هم حاضر نیستند خودشان را تکان بدهند!»

تجربه دیگران

سوریه و نوتردام

● **چمدان:** مدتی بعد از حادثه دلخراش آتش‌سوزی شاهکار معماری گوتیک پاریس، خبرگزاری فرانسه گزارشی را به شاهکاری از معماری بیزانسی اختصاص داد که منبع الهام کلیسای نوتردام پاریس بوده است.

بقایای کلیسای جامعی مربوط به قرن پنجم میلادی در قلب یکی از شهرهای متروکه سوریه دیده می‌شود که فقط با یک نگاه ساده می‌توان به شباهت آن به شاهکارهای معماری سده‌های میانی از رمانسک تا گوتیک فرانسوی پی برد. در ۵۰ کیلومتری حلب در شهر کوچک قلب لوزه، بقایای کلیسای جامع قلب لوزه قرار دارد؛ کلیسایی که زمانی ورودی طاقی بزرگی با دو برج دوقلوی موازی داشته است. سازه‌ای معماری که خبرنگار خبرگزاری فرانسه بلافاصله بعد از آتش‌سوزی نوتردام به آنجا رفت و از این کلیسای قدیمی، واقع در خاورمیانه که الهام‌بخش نوتردام و بسیاری دیگر از بناهای تاریخی سده‌های میانی اروپاست گزارش گرفت.

اعتقاد بر این است که کلیسای قلب لوزه بهترین نمونه از معماری بیزانسی در سوریه باشد. دایانا دارک، کارشناس فرهنگ خاورمیانه، در گفت‌وگو با ای‌آپ‌بی می‌گوید که این کلیسای جامع، اولین نمونه شناخته‌شده با دو برج دوقلوی و طاق مرکزی است که بعدها در سبک معماری رمانسک از آن استفاده شد و سپس در سبک گوتیک به تکامل رسید و اثری مانند نوتردام از آن خلق شد.

کلیسای قلب لوزه در شمال‌غربی سوریه نزدیک مرز ترکیه است که همراه با کلیساها و ویرانه‌های تاریخی دیگری که در هکده‌های شمال سوریه قرار دارند و در سال‌های اخیر به صحنه غم‌انگیز جنگ تبدیل شده‌اند از سال ۲۰۱۱ در فهرست میراث جهانی یونسکو وارد شده است. کلیسای نوتردام در عصر دوشنبه چند هفته پیش در آتش سوخت، اما غیر از اینکه کلیسا برای بازسازی خالی بود، اتفاق دیگری هم سبب نجات بسیاری از مجسمه‌های داخل کلیسا شد و آن عملیات خروج این اشیاء از کلیسا سه روز قبل از بروز حادثه است.

روز ۱۱ آوریل، کارگران پروژه ۶/۸ میلیون‌دلاری مرمت و بازسازی کلیسا بسیاری از مجسمه‌های قرون‌وسطایی را با دقت از کلیسا خارج کرده بودند.

بین مجسمه‌هایی که چند روز قبل از بروز حادثه از نوتردام خارج شده بود، مجسمه‌های ۱۲ جویاری و چهار مشر انجیل به چشم می‌خورد. همچنین زمان وقوع آتش‌سوزی، یکی از کشیش‌های کلیسا طی عملی که مردم پاریس آن را قهرمانانه می‌خوانند، «تاج خار مسیح» را از آتش نجات داد.

بعضی دیگر از نمادهای نوتردام، به‌ویژه پنجره شیشه‌های رنگی محراب اصلی که در قدامتش به قرن ۱۳ می‌رسد، سالم مانده است، اما کارشناسان نگران ارگ بزرگی هستند که مقابل این پنجره قرار داشت و احتمال دارد در اثر فروریختن سقف چوبی، این ارگ زیبا آسیب دیده باشد. مجسمه مریم باکره و مسیح که در ابعاد واقعی انسان است و در قرن چهاردهم ساخته شده و مجسمه «فرود از صلیب»، که در سال ۱۷۲۳ ساخته شده هم از آسیب‌ها مصون مانده‌اند.

ناقوس بزرگ کلیسا هم از آتش نجات یافته است.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۸ ۲۴ شعبان ۱۴۴۰ ۳۰ آوریل ۲۰۱۹ سال شانزدهم «شماره ۳۴۱۵» ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ اذان مغرب ۲۰:۰۹ اذان صبح فردا ۴:۴۰ طلوع آفتاب ۶:۱۳

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

مارکو د آکوستینو



خاطرات یک روزنامه‌نگار - ۱

ستاره، فضا و ماهواره

برای satellite به کار برد. برای آن قبلا معادل فارسی «قمر مصنوعی» به کار گرفته می‌شد. در سال‌های آغازین دهه ۱۳۵۰، غلامحسین آریان‌پور در ضمیمه‌ای که به همراه چاپ با جلد پالتویی از ترجمه کتاب «زمینه جامعه‌شناسی» اثر آکبرن، نیمکف در مورد واژه‌های فارسی جدید ارائه‌شده در آن کتاب تدارک دیده بود، یادآور شده بود که واژه «ماهواره» را از هشترودی گرفته است.

نخستین مجله یا ماهنامه اختصاصی در ارتباط با فضا و علوم و تکنولوژی فضایی در ایران به نام «مجله فضا» در سال‌های آغازین دهه ۱۳۴۰ در تهران شروع به انتشار کرد. محتویات مجله شامل مطالب متنوعی، اعم از ترجمه و تالیف در زمینه ستاره‌شناسی، فضا و تکنولوژی فضایی بود. مجله فضا با مشارکت برخی از فرهیختگان (از جمله محسن هشترودی) و به سرگیری ابوالحسن کمالی نقوی اداره می‌شد. آقای کمالی، خواهرزاده

«محمد مسعود»،

روزنامه‌نگار معروف قدیمی بود. در اوایل انتشار، زیر عنوان مجله «با هدایت دانشگاه پهلوی» («دانشگاه شیراز» فعلی) هم ذکر می‌شد که نشان از همکاری برخی از استادان دانشگاه شیراز در آن زمان با مجله داشت.

بعدها نخستین کانون علمی مربوط به فضا تحت عنوان «کانون فضایی ایران» نیز در همین دهه (۱۳۴۰) توسط برخی از علاقه‌مندان و نیز مساعدت‌های مجله فضا به ریاست هشترودی تشکیل شد.

دکتر کانون نیز در دفتر مجله فضا مستقر بود. نخستین گردهمایی کانون فضایی ایران در عصر یک روز پاییزی در نیمه دوم دهه در سالن گردهمایی‌های کوی دانشگاه تهران، واقع در امیرآباد شمالی برگزار شد. سخنران این گردهمایی هم هشترودی بود.

آخرین واژه را نوشت. عینکش را برداشت و دو انگشت را بر چشم‌هایش نهاد تا آرامشان کند. قلمش را گوشه کاغذ گذاشت. پیراهن سبز ارتشی‌اش را؛ همان که پس از خدمت سربازی بی هیچ نشان و علامتی در دفتر کارش می‌پوشید و به گفته خودش لباس رزمش بود، درآورد. کنش را پوشید؛ کتی که بر یقه چیش، درست روی قلبش، همیشه نماد عدالت، نشان کانون وکلا می‌درخشید و انگار پاره‌ای از وجودش بود. کیفش را برداشت، کلاه بر سر نهاد، چراغ اتاقش را خاموش کرد، خسته اما مانند همیشه خندان خداحافظی کرد و رفت و ما نمی‌دانستیم که این رفتن همیشگی است و ما نمی‌دانستیم این آخرین وداع است. رفت و ما ماندیم و بهت و اندوه و افسوس ناگفته‌ها و ناکرده‌ها. در آن هنگام که گذر از آنی به آن دگر برایمان ناممکن می‌نمود، در آن هنگام که کمر خم کردیم در رویارویی با دردی که کابوس همه عمرمان بود، در آن هنگام که دیگر نه امیدی بود برای ماندن و نه رفتگی برای ادامه‌دادن، دستانتا مهربانتان، آغوش گرم‌تان و شانه‌های استوارتان پناهمان شد. دوش‌بدوش‌مان ایستادید و با هم، ناباورانه او را به خاک پاک و مهربان ایرانمان، سرزمینمان که عاشقش بود و به آن می‌نازید سپردیم. ما در سایه

یادبود

به مردم خوب این سرزمین پاک



دادخواهی و احقاق حق آنان بنگارند، چینی به پیشانی می‌اندازد، چشم‌هایش را تنگ می‌کند، با دقت می‌خواند، لبخندی از سر خشنودی به لب می‌آورد و می‌گوید: «والله اعلم». روحش در آرامش، پیداش ماندگار و راهش برهرو باد. قهرمان و قدرشناسی که عاشقانه دوستان داشت و در خدمتشان بود و در آینده نیز هرگاه دوستداران و شاگردانش قلم به دست گرفته و واژه‌ای در

قصه‌های شهر

گنج محترم خانم و آقاموسیو

اگر مثل محترم‌خانم ریشی به صورت نداشتند اما ریشه مدیریت زنانه‌شان بسیار قوی بود. این جایگاه و قدرت ریش‌سفیدی به گمانم همان ایده اولیه‌ای بود که ماجرای راه‌انداختن شورایاری را در محلات شکل داد و لابد برای همین شعار اولین دوره برگزاری‌اش این بود: آیا می‌دانید در محله شما گنجی نهفته است؟ اما پس از چهار دوره برگزاری انتخابات شورایاری، ماجرایشان بیشتر شبیه کنه‌خاگری شد تا ریش‌سفیدی و بین کدخدایی تا ریش‌سفیدی هم فاصله بسیار است. یعنی آن سازوکار سنتی‌ای که قرار بود در زندگی شهری جاری شود، در اغلب محلات به یک سازوکار اداری و کلیشه‌ای تبدیل شده است. برای اثبات این موضوع کافی است از خودتان چند سؤال ساده پرسید مثل اینکه اصلا می‌دانید شورایاری محله‌تان کجاست یا اعضایش چه کسانی هستند یا اگر مشکلی در محله‌تان پیش بیاید، به کجا مراجعه می‌کنید؛ اصلا می‌دانید تیرماه در کدام بخش محله انتخاباتش برگزار می‌شود؟ شاید محله‌هایمان بازهم به محترم‌خانم‌ها و آقا‌سیدها و موسیوها احتیاج داشته باشد؟

دور دنیا

اعتراض در عصر دیجیتال

نیز در دسامبر ۲۰۱۸ سرکوب شد. با این حال، در ماه مارس ۲۰۱۹ (فروردین ۹۸)، حدود سه میلیون الجزایری در خیابان‌ها بودند. هدف معترضان روشن بود: وادارکردن بوتفلیقه به عقب‌نشینی. آنها فقط به دلیل تعداد عظیمشان نبود که موفق شدند، بلکه به این دلیل هم بود که پایداریشان در نهایت باعث شد ارتش الجزایر با آنها کنار بیاید و بوتفلیقه را برکنار کند. در سودان نیز سه ماه تظاهرات سراسری در کشور، ارتش را متقاعد کرد که عمر البشیر را برکنار کند.

این اتحاد نامحتمل میان معترضان و ارتش در سودان و الجزایر بسیار مهم بود. برای بسیاری از جنبش‌های اعتراضی بحث ائتلاف با کسانی که در قدرت هستند، قابل درک و هضم نیست و به جای آن ترجیح می‌دهند بر طبل هیجان حمله کامل به یک رژیم بکوبند. اما مؤثرترین تظاهرات‌ها با هدف برانگیختن همکاری بعضی از قدرتمندان برای تضعیف رژیم‌ها برپا شده‌اند. برای مثال، مهاتما گاندی در مبارزه با حکومت بریتانیا در هند، با قدرت استعماری وارد جنگ نشد. گاندی در عوض با وجود پی‌میلی دوستان شورشی‌اش کار را با راهبیمایی اعتراضی علیه مالیات نمک بریتانیا در سال ۱۹۳۰ آغاز کرد.

رسانه‌های اجتماعی به‌طورکلی به‌سختی می‌توانند چنین ائتلاف‌های نامحتملی ایجاد کنند. پلتفرم‌های دیجیتال در ایجاد نارضایتی و بزرگ‌نمایی در اینترنت موفق هستند، اما بیشتر احتمال دارد به دوقطبی شدن بینجامند تا آنکه بتوانند برای ایجاد جنبش، پل ارتباطی درست کنند.

ادهاکراسی می‌تواند به سرعت افراد معترض به سرمایه‌داری جهانی با برنامه برای خروج از اتحادیه اروپا را متحد کند. با این حال، برای متحدکردن مردم در یک هدف مثبت و بسیج آنها به شیوه‌ای که بتوان آن را قابل دسترس کرد، به امکانات خیلی بیشتری نیاز است.

تظاهرات موفق به رهبری مؤثر نیاز دارد، چه فردی باشد و چه جمعی و باید زبانی فراتر از «گفتن حقیقت به قدرت حاکم» داشته باشد. تغییر زمانی اتفاق می‌افتد که شهروندان با مدیریتی درست برای گفتن حقیقت راهی به درون قدرت و در ائتلاف‌ها پیدا کنند که بعید به نظر می‌رسد به روش آنلاین به دست آید. ابزارهای دیجیتال می‌توانند سازماندهی سیاسی مؤثر را تسهیل کنند. اما هرگز نمی‌توانند جایگزین آن شوند.



گیتی مفرزاده

در ۳۰ سال گذشته اجاره‌نشینی باعث شده است بیشتر از چهارپنج سال ساکنی یک محل نباشم و البته آمار رشد ۱۰۵درصدی قیمت مسکن در یک سال گذشته خیالمن را راحت کرد که همچنان فرصت گشت و گذار در محلات متفاوت تهران را خواهم داشت. این مهاجرت محله‌ای به گنجینه تجربیات شهری‌ام اضافه کرده و از آنجا که علاقه وافری دارم هرروز به بهانه خرید یکی از مایحتاج سراغ یکی از کسبه محل رفته و کوچه و خیابان‌های محله را با کنجکاوی قدروم بروم، متوجه شده‌ام که ارتباط درون محله‌ای یکی از عوامل خیلی مهم در وضعیت محله است. مثلا در یک محله خانم همسایه بغلی ما اشراف کامل بر اوضاع محل داشت، اگر قرار بود به همسایه‌ای بگویم مامیشین را جای بدی پارک می‌کند یا آشغال‌هایش را نباید سر کوچه رها کند،

نگری وودز، استاد اقتصاد سیاسی دانشگاه آکسفورد از کشور نوزلند، این هفته در مقاله‌ای با عنوان «اعتراض در عصر دیجیتال» در سایت project-syndicate.org به مسئله تسهیل امکان اعتراض علیه سرمایه‌داری و قدرت‌های غربی در دنیای امروز به علت وجود رسانه‌های اجتماعی پرداخته است. بخش‌هایی از آن را می‌خوانیم.

انتخابات و رفراندوم فقط دو راه از راه‌هایی هستند که مردم می‌توانند از طریق آنها بگویند چگونه باید بر آنها حکمرانی شود. اعتراض راه دیگری است و به همین دلیل حق تجمع و آزادی بیان در اکثر کشورهای دموکراتیک حفظ می‌شود.

امروزه در بسیاری از کشورهای دموکراتیک، مردم از ظرفیت این حقوق خود استفاده می‌کنند. فعالان محیط زیست و معترضان به برگزیت در یک ماه اخیر بخش‌هایی از لندن را به تعطیلی کشاندند و در حال حاضر معترضان برای اعتراض در جریان سفر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، به بریتانیا در ماه ژوئن برنامه‌ریزی می‌کنند. جلیقه‌قزرها در فرانسه هر

شبیه قدرت‌نمایی می‌کنند.

رسانه‌های اجتماعی، سازماندهی اعتراضات گسترده را آسان‌تر کرده‌اند. با کمک توئیتر، فیس‌بوک و اینستاگرام، افرادی که وجه مشترکی دارند، می‌توانند به سرعت برای اعتراض آماده شوند. اما اغلب این اعتراضات امروزی رهبری و مهارت‌های ایجاد ائتلاف را ندارند؛ امری که می‌تواند اعتراض دسته‌جمعی را به تغییر واقعی تبدیل کند.

درست است که اعتراضات بزرگ‌مقیاس ممکن است موضوعی را به صدر مباحث و مسائل مطرح جامعه بیاورد و به گفت‌وگوی عمومی درباره آن دامن بزند اما حتی در دموکراسی‌ها نیز اجتماعات بزرگ اغلب رای تأثیرگذاری در دولت‌ها ندارند. تظاهرات عظیم ضدجنگ در بریتانیا و ایالات متحده در فوریه ۲۰۰۳ نتوانست جلوی حمله نظامی دو کشور به عراق را که یک ماه بعد از آن اتفاق افتاد، بگیرد. جنبش اشغال وال‌استریت در سال ۲۰۱۱ که به حدود ۹۰۰ شهر

در سراسر جهان حمله‌ی یافت، به هیچ هدف خاصی دست نیافت. همچنین سه راهبیمایی سالانه زنان که بین سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ در شهرهای سراسر جهان اتفاق افتاد، نتیجه‌بخش نبود.

در این مورد تا اندازه‌ای تقصیر را به گردن کمبود رهبری مشخص می‌اندازند. قبل از ظهور رسانه‌های اجتماعی، سازماندهی تظاهرات گسترده مؤثر،



با این حال، موفقیت‌هایی نیز وجود داشته است. در سال ۲۰۱۶ در لهستان، اعتراضات به‌خوبی سازمان‌یافته، پارلمان کشور را متقاعد کرد که لایحه پیشنهادی ممنوعیت تقریبا مطلق سقط جنین را کنار بگذارد. تظاهرات خیابانی در چندین شهر بزرگ لهستان با یک کارزار آنلاین و اعتصاب زنان همراه بود و زنان از حضور در مدرسه، رفتن به سرکار با انجام کارهای خانگی امتناع کردند. برگزارکنندگان اعتراضات همچنین هواداران را در نقاط دیگر اروپا بسیج کردند و درس‌هایی را که از کشورهای دیگر آموخته شده بود، به کار گرفتند. مهم‌تر از همه، معترضان بر یک هدف ساده و سراسرت – جلوگیری از اجرای قانون جدید– تصریح کردند و کمپین آنها برای دست‌نمایی به هدف از رهبری مؤثر و برنامه‌ریزی دقیق بهره‌مند بود.

در همین حال، تظاهرات بزرگ موفق اخیر در الجزایر و سودان، اهمیت ایجاد ائتلاف با بخش‌هایی از یک رژیم حاکم را نشان می‌دهد. تظاهرات‌کنندگان در این دو کشور نیز اهدافی روشن داشتند. با آنکه شرکت در اعتراضات خیابانی علیه دولت‌های اقتدارگرا خطرناک بود. وقتی الجزایری‌ها ابتدا علیه پرنسپت عبدالعزیز بوتفلیقه، رئیس‌جمهور بیمار که برای پنجمین دوره رئیس‌جمهور شده بود، اعتراض کردند، از حقوق «دموکراتیک» اجتماع با آزادی بیان بهره‌مند نبودند و حمایت نمی‌شدند. تظاهرات اولیه